

نا روانی طبیعی در گفتار "لکنت زبان" عیب نیست

نوشته: سردار حسین دولت

۲۵ جنوری ۲۰۲۱



آیا حرف زدن متفاوت یا نا روانی طبیعی در گفتار (لکنت زبان) عیب و نقصان است؟؟
من شخصاً شدیداً با به کار بردن واژه لکنت برای نا روانی طبیعی در گفتار که نقصان را
معناست مخالف هستم .

مگر آنانی که کامل و طبیعی حرف می زنند به جز در ظاهر در موارد دیگر از افراد
دارای نا روانی طبیعی در گفتار(لکنت زبان) در ظاهر و باطن یا از نظر توانایی رجحان و
فزونی دارند؟

بدبختانه در جامعه ما از خانواده شروع تا به اجتماع، مکتب، دانشگاه و به کسی که بعد
از سنین پایین "کودکی" ناروانی طبیعی در گفتار دارد خواسته یا نا خواسته القاء می کنند که
این صورت حرف زدن تان وصمت و نقصان بوده و ابزار خجلت و شرمساری تو و
دیگران است. و این باعث میشود که شخص با نا روانی طبیعی در گفتار در فهم خویشتن،
خویش را شخصی با نقص و عیب بداند و تمام مشکلات عارضه نا روانی طبیعی در گفتار
که تحت عنوان مشکلات آشکار (تکرار گویی، کشیده گویی و قفل) و مشکلات
پنهان(ترس، اضطراب و فرار از لکنت)، در نهاد شان پدیدار و تقویه شود .

در جهانی که هیچ چیز مطلق وجود ندارد و همه چیز نسبی است چطور میتوان تفاوت
نسبی در گفتار را عیب دانست؟

صورت حرف زدن من وقتی نقصان حساب میشود که در مقام قیاس با صورت حرف زدن اکثر شما که ظاهر حرف زدن خود را کامل و بی نقص می دانید قرار بگیرد.

من یک جوان ۲۴ ساله هستم که بیست سال عمر خود را با ناروانی طبیعی در گفتار یا به گفته خیلی ها لکنت سپری کرده ام. از وقتی که خود را می شناسم ناروانی طبیعی در گفتار دارم، بیست سال تمام با این مشکل مبارزه کرده ام و تا این جای کار بر آن پیروز نشده ام و به چشم داشت هایم که با داشتن چنین مشکل دست یافتن به آنها آنقدر هم ساده نیست دست یافته ام.

البته این مبارزه آنقدر هم ساده نبود، اینکه چگونه، با چقدر زحمت و با پشت سر گذاشتن کدام مشکلات تا این جای کار رسیده ام تنها خودم میدانم و خدایم، من در جامعه ای متولد شدم که تفاوت در گفتار، تفاوت در رفتار و صورت ظاهری را عیب میدانند و بابت این تفاوت مورد تمسخر و حتی نفرت قرار میگیری، وقتی که هفت سال حیات را پشت سر گذاشتم و کم کم داشتم خود را می شناختم خود را با تفاوتی از دیگران یافتم (تفاوت در صورت حرف زدن)، به دفعات علت این تفاوت را از والدینم پرسیدم که چرا چنین هستم، چرا مثل بقیه نمیتوانم حرف بزنم، علت این تفاوت در چیست و پرسش های مشابه دیگری را مطرح می کردم تا سبب این تفاوت را در یابم و بدانم که این تفاوت را چه باعث است. آن زمان نتوانستم بفهمم که همه انسان ها مثل هم نیستند و تفاوت هایی دارند والدین هم نتوانست برای من بفهماند که این یک امر طبیعی است، همه انسان ها نمی توانند مثل هم باشند و در ظاهر تفاوت هایی دارند اما در باطن همه انسان اند و برابر. به کرات از طرف همبازی ها، رفقا، همسایه ها و بچه های محله بابت این تفاوت مورد تمسخر، توهین و تحقیر قرار می گرفتم و این آن را باعث شد که گوشه گیری و دوری از اجتماع را ترجیح دهم تا از تمسخر، توهین و تحقیر در امان بمانم.

اما این گوشه گیری و دوری از اجتماع نمی توانست تا دیری دوام یابد چون در هفت سالگی باید شامل مکتب میشدم و این ناگذیرم ساخت تا بار دیگر پا در جمع بزرگ "مکتب" بگذارم، هرچند این را خوب می دانستم که از گزند زبان بدگویان در امان نخواهم ماند و مورد تمسخر، توهین و تحقیر قرار خواهم گرفت، با وجود این نگرانی، نگرانی دیگری نیز بر نگرانی هایم افزوده شد و آن اینکه آیا با این مشکل (ناروانی طبیعی در گفتار) قادر به فراگیری دروس همچون هم قطاران دیگرم خواهم بود یا نه؟ با این همه نگرانی ها شامل مکتب شدم و با تحمل همه تمسخر ها، توهین ها و تحقیر ها شروع به فراگیری دروس ابتدایی کردم، دیری نگذشت که به تفوق خود در امر یادگیری دروس بر خیلی ها پی بردم و این نخستین باری بود که احساس کردم در من نیز توانایی هایی است که در خیلی های دیگر نیست و این احساس افزایش علایقم را نسبت به فراگیری دروس باعث شد و با گذشت زمان اندکی خود را در جمع دانش آموزان برتر صنف و مکتب یافتم و از طرف آموزگاران

مورد تحسین و تقدیر قرار گرفت. البته تشویق و انرژی مثبت دهی خانواده را در این زمینه نمی شود نا دیده گرفت.

با گذشت هر روز بر میزان علایق من در جهت فراگیری دروس و رسیدن به هدف افزوده می شد دوران دانش آموزی یک دوره پر از چالش ها و سختی ها برایم بود، نا روانی طبیعی در گفتار باعث میشد که نتوانم همچون دیگر همصنفی هایم درس را شرح بدهم و یا حد اقل به پرسش های استاد پاسخ بگویم" با آنکه درس خویش را به صورت درست یاد می گرفتم" سختترین لحظات برای من لحظاتی بود که احساس میکردم قرار است آموزگار ما پرسشی را مطرح کند و یا از ما بخواهد درس را تشریح نماییم، دعا می کردم که نظر آموزگار ما به طرف من نه افتد و مخاطب شان من قرار نگیرم تا نا روانی طبیعی در گفتار در جریان تشریح و یا پاسخ دهی به پرسش زمینه تمسخرم از طرف آنانی که به تفاوت ها احترام قایل نبودند فراهم نکند، از این لحظات درد آفرین لحظه درد آفرین تر لحظه ای بود که همصنفی های دیگرم با یاد داشتن قسمت کوچکی از درس، درس را تشریح و مورد تقدیر قرار می گرفتند اما من با یاد داشتن قسمت بیشتری از درس در گوشه ای از صنف خاموشانه نظاره گر می بودم ولی با آن هم یک امید برای من وجود داشت که زمینه دل خوشی ام را فراهم می کرد و آن امید، امید دیگری نبود جز برگه امتحان، چون برگه امتحان این چانس را به من میداد که خویشتن را ثابت ساخته و تفوق خویش را بر دیگران به نمایش بگذارم .

پس از اتمام دوره آموزش های متوسط بنابر کمبود امکانات آموزشی رهسپار مزار شریف یکی از شهر های نسبتاً پیشرفته کشور به امید امکانات بهتر آموزش شده و شامل لیسه ستر جنرال استاد عطا محمد نور یکی از مکاتب با نام مزار شریف شدم و در این محیط متفاوت تر از قبل با همان چالش ها و نگرانی های قبلی به آموزش خویش ادامه دادم و در مدت کوتاهی توانستم در قطار دانش آموزان برتر این لیسه قرار بگیرم، چیز مهم دیگری که در این دوره به آن پی بردم این بود که تفوق طلبی بر دیگران اهمیت و سود چندانی ندارد آنچه مهم است یاد گیری بیشتر و زدن به هدف است.

سر انجام با وجود تمام چالش ها و مشکلات پس از سپری نمودن دوره آموزشی ۱۲ ساله(دوره دبیرستانی)با اشتراک در آزمون رقابتی کانکور ۱۳۹۴ به دانشکده دندان پزشکی دانشگاه کندز راه یافتم، و به چشم داشت دیرینه خود که همانا راه یافتن به دانشکده دندان پزشکی بود دست یافتم، دوران دانشگاهی دوره پر چالش تر و پر از نگرانی بیشتر بود، چون از یک محیط کم جمعیت تر(مکتب) به یک محیط پر جمعیت تر(دانشگاه) پا گذاشتم، حجم بیشتر درس با محتوای مغلق تر، بر برقراری ارتباط درست با جمعیت دانشگاهی و نا روانی طبیعی در گفتار ابزار نگرانی من بودند. در این دوره نیز نا روانی طبیعی در گفتار بر نگرانی هایم چند ده برابر می افزود. ولی تجربیات قبلی(تجرباتی را که در دوره

دبیرستانی حاصل کرده بودم) کمک کننده و کار ساز واقع شد، با گذشت زمان اندکی در دانشگاه نیز توانستم در ردیف دانشجویان برتر دانشکده قرار بگیرم و فعلاً دانشجوی سال پنجم دانشکده دندان پزشکی هستم .

آری من ناروانی طبیعی در گفتار دارم ولی این عیب و نقص نیست شاید وقتی که صورت حرف زدن من با صورت حرف زدن شما در مقام قیاس قرار بگیرد ناقص به نظر برسم ولی این را خوب می دانم که شاید در خیلی چیز های دیگر بر خیلی های دیگر تفضل و فزونی داشته باشم و همین طور در خیلی چیز های دیگر خیلی های دیگر بر من فزونی دارند، هیچ انسانی کامل مطلق و هیچ انسانی ناقص مطلق نیست.

در نوشتن این مقاله خود ستایی و ثبوت خویشتن خویش من را هدف نبود بل خواستم برای آنانی که همچون من ناروانی طبیعی در گفتار دارند القاء کنم که این صورت حرف زدن ما عیب نیست. من خودم نیز تا خیلی دیر این تفاوت را با دیگران نقصان میدانستم و از آن رنج می بردم که این باور غلط اثرات سوی دیگری (ترس، اضطراب و فرار از لکنت) نیز در پی داشت ولی بعدتر ها پی بردم، در دنیایی که هیچ چیز مطلق وجود ندارد و همه چیز نسبی است داشتن تفاوت نسبی در گفتار چطور میتواند عیب یا نقصان تلقی شود.

از آن زمانی که دروناً و قلباً صورت حرف زدن خویش را نقص ندانستم بل توجه ژرف تر و نگاه متفاوت تری به دیگر توانایی هایم کردم که در آنها بر خیلی های دیگر تفضل و تفوق دارم هم بهبودی در صورت حرف زدنم بوجود آمده و هم توانسته ام توانایی های دیگرم را رشد بیشتر دهم .

این را باید دانست و قبول کرد که لکنت زبان عیب نیست بل در نوع خودش فرصتی است که برای درک بیشتر خویشتن خویش و رشد توانایی های دیگر تان برای شما داده شده است. منشاء یا نقطه شروع این درک برای من برخورد خانواده و دوست های صمیمی ام بود چون خانواده ام با من کاملاً طبیعی بر خورد میکردند ، مثل اعضای دیگر خانواده و همچنان بر خورد دوستان صمیمی ام نیز چنین بود و بر خلاف تصورم نوع حرف زدنم ابزار رنجش شان نبود.

بی گمان هر انسان دارای ناروانی طبیعی در گفتار دوست دارد همچون دیگران طبیعی حرف بزند ولی چون خالق او را با چنین تفاوت خلق کرده است قادر به شبیه سازی خود با بقیه نیست، من طرفدار شبیه سازی نیستم و نیازی هم به این کار نمی بینم، جهان هستی پر از تفاوت است، هرگز نمی توان در این جهان دو انسانی را یافت که کاملاً مشابه و بدون تفاوت باشند، یکی تفاوت در گفتار دارد، دیگری تفاوت در قد ، یکی تفاوت در رنگ دارد

دیگری تفاوت در سطح شعور یا میزان درک و برداشت ، جهان آنقدر پر از تفاوت میان انسان ها است که به ساده گی نمیتوان تمام این تفاوت را بر شمرد، پس هرگز قادر نخواهیم بود که خود را شبیه سازی کنیم و تفاوت های خود را با دیگران از میان بر داریم .

باز هم تأکید می نمایم که ناروانی طبیعی در گفتار عیب نیست و نمیتواند دال بر ناتوانی یا ضعف شخص باشد چنانچه در طول تاریخ جهان و جهانیان شاهد حضور اشخاصی با ناروانی طبیعی در گفتار بوده اند که در پیشرفت علوم و تحولات جهانی نقش برآزنده ای داشته اند .

از جمله این اشخاص مشهور که ناروانی طبیعی در گفتار یا لکنت زبان داشتند ولی با آن هم کار های خارق العاده ای را انجام داده اند که خیلی ها چه که اکثریت مطلق مردم جهان از انجام دادن آن عاجز بودند، میتوان از این اشخاص نام برد:

• ارسطو

ارسطو از فیلسوفان با نام یونان باستان بود که سالهای زیادی آموزگار اسکندر مقدونی بود و بهسبب مهارت هایش در همه زمینه های علم لقب معلم اول را دریافت کرد. ارسطو از فیلسوفان برجسته یونان باستان بود که در دوره ای از زندگی از مشکل لکنت زبان رنج می برد .

• اسحاق نیوتن

نیوتن؛ فیزیکدان، ستاره شناس، فیلسوف و ریاضی دان انگلیسی بود که نظریه های مهم او همچنان در علم فیزیک کارآمد است. او یکی از چهره های مشهوری بود که از مشکل لکنت زبان رنج می برد اما توانست بر آن غلبه کند و به یکی از فیلسوفان به نام دنیا تبدیل شود.

• داروین

چارلز داروین زمین شناس و زیست شناس انگلیسی بود که نظریه های مهمی را در مورد زمین و طبیعت ارائه کرد، نظریه تکامل یا فرگشت از نظریه های مهم این فیلسوف است داروین نیز از ناروانی طبیعی در گفتار یا لکنت زبان رنج می برد.

• جوزف بایدن

جوبایدن رئیس جمهور منتخب امریکا نیز در دوره ای از حیاتش از لکنت زبان رنج می برد.

• **وینستون چرچیل**

چرچیل نخست وزیر وقت انگلیس و نویسنده نیز لکننت زبان داشت.

• **هرتیک روشن**

هرتیک روشن بازیگر سرشناس سیما هندی یکی دیگر از افراد مشهوری است که در گذشته از لکننت زبان رنج میبرد.

• **مستر بین**

مستر بین بازیگر کمیدی مشهور بریتانیا است که لکننت زبان دارد.

• **مارک آنتونی**

آنتونی خواننده پاپ است. وی بیش از ۱۲ میلیون آلبوم در سراسر جهان به فروش رسانده است. که از کودکی به لکننت زبان دچار بود.

• **شاهزاده آلبرت از موناکو**

شاهزاده آلبرت در سن ۲۲ سالگی به اقیانوس شناسی علاقه مند شد. وی موسسه مشهور اقیانوگرافی در جهان را در موناکو تأسیس کرد. این موسسه شامل یک آکواریوم، موزه و کتابخانه است. وی همچنین یک مرکز تحقیقاتی در پاریس تأسیس کرد.

• **امیلی بلانت**

این بازیگر زن برنده جایزه گلدن گلوب احتمالاً بیشتر به خاطر کارهایش در My Summer of Love و The Devil Wears Prada شناخته شده است. امیلی از دوران کودکی تا نوجوانی از مشکل لکننت زبان رنج میبرد و با کمک یک معلم توانست بر لکننت زبانش غلبه کند و با ورود به دنیای بازیگری در این راه موفق بود.

• **رابرت دونات**

بازیگری که به خاطر نقش هایش در فیلم ۳۹ قدم و خداحافظی آقای چیپس، آلفرد هیچکاک مشهور است، او همچنین جایزه اسکار بهترین بازیگر مرد را دارد.

• **جیمز ارل جونز**

بازیگر نقش اول زن جیمز ارل جونز، بازیگر برادوی، تلویزیون و ستاره سینما، به دلیل صدایش در نقش دارت ویدر در جنگ ستارگان و کتاب او "صداها و سکوت" مشهور است.

توصیه برای عزیزانی که با افراد دارای ناروانی طبیعی در گفتار در ارتباط هستند، خصوصاً خانواده های محترم و دوستان نزدیک چنین افراد؛

- لطفاً و خواهشاً برای این افراد خواسته یا نا خواسته القاء نکنید که دارای عیب یا نقصان هستند، بدبختانه در جامعه ما که اکثریت مردم آن همه چیز دان و در همه بخش متخصص است در صورت رو به رو شدن با چنین افراد بی درنگ شروع می کنند به مشوره دهی در مورد درمان این عارضه "به گفته خود شان عیب و نقص"، در حالی که نه در باره ماهیت لکنت چیزی میدانند و نه در باره روش های درمان آن، این پیشنهادات مکرر از طرف این آدم های همه چیز دان و در همه بخش متخصص باعث میشود که این افراد خود را شخص دارای عیب و نقص بدانند و تمام مشکلات آشکار و نهان که قبلاً آن را ذکر کردم در در نهاد آنها پدیدار و تقویه شود. کاری را که باید خانواده و دوستان این افراد انجام بدهند این است که برای شان القاء کنند، صورت حرف زدن شان عیب و نقص نیست فقط تفاوت اندکی در صورت حرف زدن شان با بقیه وجود دارد که آن هم در این جهان پر از تفاوت کاملاً طبیعی است، این کار در نوع خودش یک روش درمانی برای درمان مشکلات پنهان لکنت (ترس، اضطراب، و فرار از لکنت) است.

- آنچه برای افراد دارای ناروانی طبیعی در گفتار حتی از توهین و تمسخر مستقیم آن هم درک ناک تر و رنج آفرین تر است دلسوزی و ترحم بی جا است، چون دلسوزی و ترحم بی جا به این افراد احساس این را می دهد که واقعا ضعیف و ناتوان هستند و بابت این ضعیفی و ناتوانی شان مورد ترحم قرار گرفته اند، لطفاً و خواهشاً از ترحم بیجا با چنین افراد خود داری کنید.

در اخیر هم توصیه ای دارم برای آن عزیزانی که داری نوع حرف زدن متفاوت هستند "لکنت زبان دارند"؛

عزیزانم لطفاً و خواهشاً به این مورد از زاویه دیگر و با دید متفاوت تر بنگرید، مثبت نگر باشید و به عوض اینکه خود را درگیر این تفاوت کوچک و جزئی نموده و مدام به فکر درمان آن باشید به توانایی های دیگر تان که در آن بر خیلی ها تفضل و فزونی دارید توجه ژرف تر کرده و آنها را رشد بیشتر بدهید، این به شما کمک خواهد کرد که هم بهبودی در صورت حرف زدن تان بوجود بیاید و هم توانایی های دیگر تان را برجسته تر بسازید و این در نوع خودش یک روش درمانی است که به آن درمان خودی گویند. چیزی دیگری که میتواند شمارا کمک کننده باشد بی اعتنایی به حرف های بقیه است چون مردم در هر حالت حرفی برای گفتن دارند باید لاقید این حرف ها بود.

من هرگز اجازه نخواهم داد که این تفاوت میان من و اهدافم قرار بگیرد چنانی که تا امروز با آن مبارزه کردم و بر آن پیروز نیز شدم بعد از این هم با آن مبارزه میکنم و پیروز هم خواهم شد، میخواهم به آنانی که این تفاوت کوچک را معلولیت می شمارند درس این را بدهم که نه تنها این افراد ناتوان نیستند بل شاید در خیلی موارد دیگر بر خیلی های دیگر فزونی و برتری داشته باشند همچنان برای کسانی که دارنده چنین تفاوت های کوچک اند میخواهم برای شان بفهمانم که شما ناتوان نیستید و اگر بی خیال این تفاوت تان شوید و دیگر توانایی های تان را برجسته تر بسازید فرد موفق خواهد شد.